

خسته بودم روز شنبه چهاردهم زود خوابیدم

الی جمعه در پونه بودم روز جمعه دو ساعت از مغرب گذشته بطرف حیدرآباد فرخنده
بسیار دکن را واقفاده شنبه عصر سلامتی وارد شده شکر خدای تبارک و تعالی

بجای آوردم

و استلام

کتاب مسافرت نامه شکیب جتاه جناب مستطاب عظمت و جلالت
انتساب صدر آقای عزت و جلال سندین عقل و کمال براننده مسند
وزارت و فرازنده مصدر صدارت کوهر پایش سرشته سمر و از تمامت
علوم با خبر است بکالات ظاهرو باطن سلم چنانچه علو حالات بر مثال
و اقران مقدم تا بر سند عوارف احکام شست بنیاد ز خارف اعمال
از میان برخواست چنین چمن کمال و جو یار اقبال مکر ملک بجواب مافک
در آب بیند در فصاحت کلام و حصافت مقام و محامد اشفاق و علو نسب
و بموجب و انعام بی پایان و احسان بی استنمان و مارج کمال و معارج
جلال طریقه موافقت و شیوه مجالست و عقل و کیاست هوش و فراست
کسی را با وی طاقت همسری و لیاقت برابری نیست با این بلندی در
و ارتفاع منزلت چنان با غنی و درویش و بیگانه و خویش سلوک و رفتار
نیاید و آنان را بداد و دوش و ایثار و بخشش میخواند که توان گفت آنرا که چشم
امیدی است بروی باز باید و هرگز دست نمائیت نبوی او دراز آید

اعلیٰ اجل الاکرم انجم نواب محارر الملک عماد السلطنه و قله العالی که فنون
ادب برادار و صنوف لطایف را بهار عالم آرا این کوهر عظیم از شرف
همت او این قدیم از صدف طینت او است که شکست چشمة حیوان و غیرت
خویشمان است طراوت الفاظ و طلاوت معانیش با قوت رمانراجل
و جواهر عمان را منفعل دارد بتابد ذوالکلال و بمن اقبال سرکارشان این
دولت خواه سیرا محمد ملک الکتاب بزبور طبع در آورده
و ضمناً خود را مفتخر و امیدوار حضورش در آید

امید که نظر عاقلان ممد و دما و حمزه

فی شهر رمضان المبارک ۱۲۵۵

بخط اول سید کان میرزا

محمدی شیراز

ع



آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آند یو بیہ دورانہ لیا جائے گا

